

پشت پای داران آب می ریزم

شعر نو

فریبا وکیلی



نشر اشاره

وکیلی، فریبا

پشت پای باران آب می‌ریزم / فریبا وکیلی.

تهران: نشر اشاره، ۱۹۲ ص؛ ۵/۱۴×۲۱/۵ س.م.

ISBN - 978 - 964 - 8936 - 89 - 6

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

شعر فارسی - قرن ۱۴.

Persian Poetry _ 20th century

پ۹۳۵ ک/۸۲۹۸ PIR

۸۶۱/۶۲

۴۵۱۳۵۰۷



نشر اشاره

پشت پای باران آب می‌ریزم

وکیلی، فریبا

طراح و عکس جلد: صالح ستین، آوید

خط روی جلد: سلیم سیروس

چاپ اول: بهار ۱۳۹۶ شمارگان

امور فنی، رسم الخط، حروفچینی و صفحه‌بندی: اشاره

لیتوگرافی: ندا، چاپ: فرشویه و صحافی: روشنگر

شابک: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۸۹۳۶ - ۸۹ - ۶ - ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۸۹۳۶ - ۸۹ - ۶ ISBN: 978 - 964 - 8936 - 89 - 6

نشر اشاره: تهران، خ انقلاب، خ دانشگاه، پلاک ۶۸ تلفکس: ۶۶۴۱۸۹۱۱

صندوق پستی ۱۳۱۴۵-۱۱۷۷

Email: eshareh_pub@yahoo.com

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

قیمت: ۱۳۵۰۰۰ ریال

۱۱	مقدمه
۱۳	من یک زنم
۱۷	خانه‌ی عشق
۲۱	دست‌هایت
۲۲	تکثیر
۲۴	چوپان دروغگو
۲۵	یکسره عاشقم
۲۷	مادرِ عشق
۳۱	شب
۳۲	زنی تنها
۳۴	آبی آرام چشم‌هایت
۳۵	شعرواره
۳۶	گیجگاه خزان
۳۷	رَد پا
۳۸	آمدی

۴۰		رهگذر
۴۱		خواهم نمی برد
۴۲		تو کیستی
۴۴		دیر کردی
۴۵		واج آرایی
۴۶		صدور
۴۷		قهر باران
۴۹		پاییز
۵۱		پیوند نام
۵۲		تو هستی بر می گردی
۵۳		به می رسم
۵۴		از تو می برم
۵۵		مقصد مبهم
۵۷		تو را می نویسم
۵۸		بی تعادل
۶۰		آینه
۶۱		بی تابم
۶۲		سایه و انتظار
۶۳		خوش آمدی
۶۵		به من نزدیکی
۶۶		من بی تو
۶۷		قلب پنجره
۶۸		واژه های نانوخته
۶۹		اعتراض
۷۰		کجای قصه
۷۲		باران خودش می آید
۷۳		دلم آب شد

۷۴		حجم خیالی
۷۵		سخت نیست
۷۶		سقوط می‌کنم
۷۷		باید بروم
۷۹		گندمزار
۸۰		چه می‌شود مال من باشی
۸۱		از عشق
۸۲		عاشقم نباش
۸۳		از ادب
۸۴		نسیم رویای
۸۵		حسودم
۸۶		این چه عشقیست
۸۸		یک روز بارانی رفتی
۸۹		دل چرا سنگ می‌شود
۹۱		بوی سیب
۹۲		نوشدارو
۹۳		خواب
۹۴		مرا باور نداری
۹۵		فاصله
۹۶		او می‌آید
۹۷		وقتی که
۹۹		به نیت باران
۱۰۱		او مرا دعا می‌کند
۱۰۲		شب قربانی عشق
۱۰۳		خاطره‌ی خاکستری
۱۰۴		قصه‌ای بگو
۱۰۵		آه دامن گیر

- ۱۰۶..... یادت هست؟
- ۱۰۷..... تشویش
- ۱۰۸..... راه تمام شد
- ۱۰۹..... تو فردا می آیی
- ۱۱۱..... عبور
- ۱۱۳..... محصور
- ۱۱۴..... بی دلیل نیستی
- ۱۱۶..... تخته سنگ
- ۱۱۸..... بین گریه
- ۱۱۹..... قمارب
- ۱۲۰..... ندار
- ۱۲۱..... قصه بخوان
- ۱۲۲..... نقاشی غمگین
- ۱۲۳..... حق حق گریه های
- ۱۲۴..... باد
- ۱۲۵..... شاید
- ۱۲۷..... راز چشمان تو
- ۱۲۸..... شش دانگ دل
- ۱۲۹..... این همه فریاد چرا
- ۱۳۰..... به خاطر بسیار
- ۱۳۱..... ضیافت انتظار
- ۱۳۲..... عشق را دوره کنیم
- ۱۳۳..... با من بیا تا پروانگی
- ۱۳۴..... سر سپرده
- ۱۳۵..... با تو می مانم
- ۱۳۶..... تو باشی و فردا
- ۱۳۷..... عاشقانه هایم

۱۳۸	مرا به خواب بسیار
۱۳۹	فاتح سراب
۱۴۰	نفس
۱۴۱	آرزوهای گمشده
۱۴۲	عشق گمنام
۱۴۴	بعضی ها
۱۴۶	گایه ای ندارم
۱۴۷	راز پنهان
۱۴۸	حس تنهایی
۱۴۹	رویای پرواز
۱۵۰	حیطه ی دلتنگ
۱۵۱	به حسابم ننویس
۱۵۲	شعرهایم به من می دهند
۱۵۳	خیلی عاشق بودم
۱۵۴	حرف های نزده
۱۵۵	چشم از آسمان بر نمی داری
۱۵۶	عشق را تصویب کن
۱۵۷	دور می شوی
۱۵۹	تصمیم عاقلانه
۱۶۰	مرا از نوبساز
۱۶۲	آرزوی مُحال
۱۶۱	مرا ببخش
۱۶۴	بُرج شکست
۱۶۵	چهار فصل
۱۶۶	اسم تو آبادی ست
۱۶۸	لحظه هایم
۱۶۹	تو نگاهت آرام

- ۱۷۰ چقدر با هم فرق داریم
- ۱۷۱ جدایی
- ۱۷۲ سبز شو
- ۱۷۴ تو را به خدا می سپارم
- ۱۷۵ به زرفای عشق
- ۱۷۶ هیچ کس
- ۱۷۷ به خاطر خواهم سپرد
- ۱۷۸ ساعت به وقت عشق
- ۱۷۹ زنجیر بجز
- ۱۸۰ پشت کره
- ۱۸۱ زندگی
- ۱۸۳ ای دوست
- ۱۸۵ اتفاق
- ۱۸۶ بیدار شو
- ۱۸۷ درد دل می کنم
- ۱۸۸ پنجره ای خیالی
- ۱۸۹ من خدایی دارم
- ۱۹۱ پشت پای باران

مقدمه

سیاس از خداوند مهربان و درود به خوانندگان و دوستان شعر و احساس، حال که توفیقی نصیب شد تا پنجمین کتاب شعرم را جمع آوری کرده و چاپ برسانم، کلام چنین آغاز می‌کنم؛ از آن جا که مقدمات تنوع و تفاوت در اشعارم را فراهم دیدم بر آن شدم این مجموعه را در قالب شعر نو بران بیاورم. احساسات و اندیشه‌هایم انتخاب کرده منتشر کنم، چنان که محض دید این قالب متفاوت با قالب اشعار قبلی من می‌باشد، با توجه به این مطالب که رمانه‌ی ما عصری نیست که به شعر به دیده‌ی اتلاف وقت و سرگرمی نگریسته شود. اشاره به این مورد را ضروری می‌دانم که شعر امروز مخاطب و خواننده را به تفکر وامی‌دارد تا جستجوگر دیدگاه و نگرش شاعر یا مؤلف بود و اشعار را شخصاً نقد و بررسی یا تایید و تکذیب کند.

من در این مجموعه سلايق و علايق شخصی خود را اعمال نموده و تلاشم بر این بوده که ذوق و علاقه‌ی خوانندگان و شعر دوستان هم که قطعاً طالب عشق و عاشقانه‌ها هستند و کاوشگرانه پیگیر مضامین احساسی و عشقی و عاطفی می‌باشند، لحاظ شود.

بالاترین احساسات همان حس زیباییست که عواطف و اندیشه‌های مان را به اوج می‌رساند، همان حس دل‌نشینی که زیباترین پدیده‌ی عالم من و توست و من آن را عشق می‌نامم و تو نیز هم...

حسی که از ابتدای تولد در وجودمان نهاده شده و توبه انحاء مختلف ارائه‌اش می‌دهی و آن را به اثبات می‌رسانی و مأوایش در زیباترین مکان یعنی دل می‌باشد. ای آشنای من، ای مشترک با من در این احساس دل‌انگیز و عاشقانه، شانه به شانه‌ات می‌آیم و دور می‌کنم خود را از چون و چراهای همیشگی که دست و پاگیر است تا کلماتم را شفاف گفته و حقیقت واژه‌هایم را بر قلبت بنشانی. تو را به تماشای عشق عاشقانه‌ها و آب و آینه و باران و شب‌نم می‌برم، از طلوع و شروع و درود بدرود، هجرت و رجعت می‌نویسم که خود را درون نوشته‌هایم پیدا کنی شاید حتی فقط یک جمله از نوشته‌هایم حسی شبیه خاطرات تو باشد، ای آشنای من از عشقی که به من یا دیگری بخشیده‌ای هرگز پشیمان نباش، بگذار عشق همچون اقیانوسی بی‌کران بین‌مان جاری باشد. دست‌هایت را در دستم دار، بران عشق ورزیدن و دوست داشتن هرگز دیر نیست.

لازم می‌دانم از سازمان فرهنگی هنری شیرداری و زحمات و تلاش سرکار خانم معصومه باکوچی و مدیریت محترم انتشارات اشاره جناب آقای علی داودی و سرکار خانم فهیمه داودی جهت چاپ و نشر کتابم سپاسگزاری نموده و از طراح و عکاس جلد خانم آریه صالح‌استین دختر عزیزم تشکر نمایم.

قلب‌هایتان همواره چون آینه‌ای زلال باد
تا خود را در آینه‌ی دلتان تماشا کنم
سبز باد دست‌هایتان همچو بهاری جاودان
فریبا وکیلی